



و آزادی
نهادهای مدنی
و آزاد هستند.
البته هر کجا که
در مصاحبه
رسانه های

دکتر مصطفی تاج زاده: نسبت این دولت با آزادی مثل جن است با بسم الله

معاون وزیر کشور
دولت اصلاحات در
نشستی با عنوان کابینه
متزلزل که از سوی
انجمن اسلامی
دانشجویان دانشکده

اسلامی یک پدیده موقت است و ما باید
به سمت حکومت اسلامی حرکت کنیم.
تفاوت این دو چیست؟ تفاوت آنها در
حاکمیت مردم و دموکراتیک بودن
نهادهاست. به همین جهت باید گفت
ساختار شکنان اصلی در ایران دیگرانی
هستند که ساختارهای جمهوریت نظام را
خدشه دار می کنند.
بنابراین کارنامه این دولت در رابطه با
شعارهای اصلی انقلاب جز در مورد استقلال
که آن هم خدشه دار شده مبارزه با دو مورد
آخر است. دولت با سوء استفاده از مفهوم
عدالت و شعارهای چپ گرایانه، آزادی را از
مردم سلب نموده است.

خارجی قرار می گیرند ایران آزادترین
کشور دنیاست. اما در داخل با امنیتی
کردن فضا همه چیز را کنترل و محدود
کرده اند. عملکرد دولت در زمینه شاخص
های آزادی احزاب و مطبوعات و دیگر
نهادهای مدنی روز به روز در حال افول
است. شاخص سوم جمهوری اسلامی است
که حتما می دانید به انتخاب امام صورت
گرفت. چرا که تا پیش از آن شعار مردم
حکومت اسلامی بود و سپس توسط امام به
جمهوری اسلامی تغییر یافت و همان موقع
هم تصریح کردند که این جمهوری مثل
بقیه جمهوری هاست. امروز شعار
اقتدارگرایان رسماً این است که جمهوری

علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد،
اظهار کرد: در زمان انقلاب سه شعار
اساسی مطرح شد. استقلال، آزادی و
جمهوری اسلامی. در مورد استقلال باید
گفت که در این سی سال خود ملت ایران
مستقل از قدرت های خارجی در مورد
سرنوشتش تصمیم گرفته است. البته بایستی
این هشدار را داد که باروی کار آمدن
دولت نهم و حاکمیت اقتدارگرا استقلال
کشور تا حد زیادی خدشه دار شده است.
در مورد آزادی اما باید بگوییم که نسبت
این دولت با آزادی مثل نسبت جن با بسم
الله است. یعنی نه تنها به هیچ وجه با
آزادی سازگاری ندارند. بلکه دشمن

بانک CD مکالمه انگلیسی و نرم افزارهای آموزش زبان و فرهنگ لغات

5CDs	دائرةالمعارف انکارتا Microsoft Encarta	1CD	دیکشنری ناریس ۵ (انگلیسی-فارسی و برعکس)
4CDs	دائرةالمعارف بریتانیکا Britannica	1CD	دیکشنری لانگمن LONGMAN
1CD	مجموعه کامل ترجمه تاریخ تمدن ویل دورانت	1CD	دیکشنری گویای آکسفورد OXFORD
4CDs	مجموعه آموزشی مکالمه انگلیسی نصرت	1CD	دیکشنری گویای هریتج HERITAGE
1CD	سی دی mp3 کتاب Café Crème و Reflet	1CD	دیکشنری جامع وبستر WEBSTER
1CD	فرهنگ سی جلدی فارسی دهخدا	1CD	دیکشنری آکسفورد جنی (با تلفظ طبیعی)
3CDs	کتاب های نیوهدوی سطوح مختلف	1CD	سی دی mp3 آموزش لهجه آمریکایی
4CDs	نرم افزار آموزش مکالمه فرانسوی Learn to Speak French	4CDs	نرم افزار آموزش مکالمه انگلیسی Learn to Speak English
1CD	سی دی mp3 کتاب های 1-3 Street Talk	3CDs	ویدئوسی دی کتاب های 1-3 Café Crème
1CD	نرم افزار بابیلون به همراه وبستر و زبان های رایج	2CDs	کتابخانه ای الکترونیکی ادبیات انگلیسی (۲۰۰۰ تومان)

12CDs	ویدئوسی دی های آموزش مکالمه انگلیسی HOW DO YOU DO AMERICAN ACCENT	16CDs	ویدئوسی دی های آموزش مکالمه انگلیسی FOLLOW ME BRITISH ACCENT
-------	---	-------	--

قیمت هر حلقه CD ۵۰۰ تومان، مجموعه Follow Me ۶۰۰۰ تومان و مجموعه How Do You Do ۵۰۰۰ تومان است.

محل تهیه CDها: دفتر السا (طبقه دوم ساختمان گروه ها) و خوابگاه ۱۵ ادبیات اتاق ۱۶ شماره تماس: ۰۹۱۵۳۲۴۰۰۶۲

نقدی بر عملکرد دولت احمدی نژاد

شهریار حسین بر

به علت سهمیه کم بنزین درآمدشان به شدت کاهش پیدا کند، علاوه بر آن باعث افزایش کرایه تاکسی و همچنین بلیط اتوبوس های بین شهری نیز شد. این در حالی بود که هنوز درصد بسیار پایینی از خودروهای کشور گاز سوز شده بود و هنوز بخش بزرگتر آن از سوخت بنزین استفاده می کردند، همچنین هنوز تعداد انگشت شماری از شهرهای کشور دارای جایگاه CNG بودند و در استانی مثل همین استان سیستان و بلوچستان هنوز جایگاه سوخت گاز وجود ندارد. این



اقدام دولت همچنین ضربه شدیدی به وضعیت اقتصادی قشر آسیب پذیر جامعه وارد کرد که با شعارهای آقای احمدی نژاد مبنی بر کمک به این قشر از جامعه کاملاً در تناقض بود، و بر همین اساس تا به امروز با مخالفت بخش بزرگی از جامعه و همچنین بسیاری از کارشناسان اقتصادی و بسیاری از نمایندگان مجلس چه اصولگرا و چه اصلاح طلب مواجه شده است. دولت نهم بر خلاف شعارهای خود مبنی بر عدم تبلیغات به وسیله امکانات دولتی در همه شهرها دست به تبلیغات گسترده زده و میلیاردها ریال جهت تبلیغات خود هزینه می کند. به عنوان مثال به هنگام سفرهای استانی میلیاردها ریال بابت چاپ پوستر و عکس های احمدی نژاد می شود و یا اینکه در شهرهای مثل زاهدان اقدام به نصب بنرهای بزرگ تبلیغاتی در خیابانها می کرد، همچنین در شهرهای بزرگ و حتی شهرهای بسیار کوچک اگر خیابان و یا کوچه ای آسفالت می شود به وسیله تابلو و یا نوشته دولت نهم بانی این امر مهم معرفی میگردد. دولت از هیچ ابزاری برای تبلیغات چشم پوشی نمی کند و به وسیله رسانه ملی (تلویزیون) و روزنامه ها و سایت های حامی خود علاوه بر تبلیغات برای خود حملات شدیدی علیه رقبای اصلاح طلب و محافظ کار

در حالی به انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می شویم آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور حال حاضر کشور نیز خود را برای شرکت در انتخابات آماده می کند. این در حالی است که به هیچ وجه نمی توان کارنامه موفق از دوره اول ریاست جمهوری وی به نمایش گذاشت. احمدی نژاد قبل از شرکت در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری چند سالی به عنوان شهردار تهران منسوب شد و بعد از آن در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد.

وی که از اردوگاه محافظه کاران در انتخابات شرکت می کرد خود را شخصی از بطن جامعه و آشنا با بخش آسیب پذیر جامعه معرفی کرد و اهداف و شعارهای خود را کمک به قشر آسیب پذیر جامعه و مردم مناطق محروم، توزیع درست درآمدها و عدالت محوری اعلام کرد و با تکیه بر همین شعارهای اقتصادی بر حریفان قدرتمند محافظ کار و اصلاح طلب خود پیروز شد که نشان از مشکلات اقتصادی مردم داشت.

دولت نهم در مهر ماه ۸۴ شروع به کار کرد، از همان ابتدا اعلام کرد که شدیداً در صدد پایین آوردن هزینه های دولت می باشد. همچنین دستور داد که هزینه های کاخ ریاست جمهوری را پایین بیاورند و ادارات دولتی همچنین بانکها اجازه چاپ عکس وی را ندارند تا نشان دهد به هیچ وجه علاقه ای به تبلیغات به وسیله امکانات دولتی را ندارد و همه این موارد را توسط رسانه ملی به اطلاع عموم ملت می رساند. رئیس جمهور از همان ابتدا دست به تغییرات گسترده از وزراء گرفته تا مدیران پایین دست زد. وی همه وزیران کابینه خاتمی را عوض کرد همچنین رئیس بانک مرکزی و مدیران بانکهای کشور و همچنین مدیران بانکها را تا سطح استانها نیز تغییر داد، تا دولتی کاملاً متفاوت نسبت به دولت اصلاح طلبان تشکیل دهد. رئیس جمهور به همراه هیئت دولت به همه استانهای کشور سفر کرد. هیئت دولت در همه استانها تشکیل جلسه می داد و طرح های گوناگونی را به تصویب رساند. و وعده های زیادی به مردم هر استان می داد، به عنوان مثال دولت طی سفر خود در سال ۸۴ به استان سیستان و بلوچستان قول داد که حداکثر تا سال ۸۶ یعنی یک سال پیش مردم این استان از گاز لوله کشی استفاده کنند، که البته با روند موجود احتمال لوله کشی گاز تا سال ۹۰ نیز در این استان نمی رود. بزرگترین پروژه دولت سهمیه بندی سوخت بود، که هدف از اعمال این سیاست صرفه جویی در مصرف سوخت اعلام شد، این اقدام دولت باعث شد که بسیاری از مسافرخش های شهری که با اتومبیل شخصی کسب درآمد می کردند بیکار شوند و همچنین افرادی که تاکسی داشتند

خود انجام می دهد. دولت اقدامات سه ساله خود را بی نظیر اعلام کرد و آن را مهمتر از همه سالهای انقلاب اسلامی اعلام نمی کند. ادعای بی نظیر بودن اقدامات دولت توسط رئیس جمهور در حالی است که از نظر اقتصادی ایران در بدترین وضعیت ممکن می باشد، نرخ تورم از سال ۸۴ به ۲۵٪ و نرخ بیکاری به ۱۵٪ رسیده است و به گفته وزیر اقتصاد دوره خاتمی برای جبران این ۳ سال حداقل به ۱۵ سال وقت نیاز است تا شاید ایران تازه به وضعیت اقتصادی سال ۸۴ برگردد. از نظر سیاست خارجی سیاست دولت به گونه ای بوده است که ایران در محیط بین الملل کاملاً منزوی شده است و از سال ۸۴ تا به حال ۴ قطعه نامه در شورای امنیت علیه ایران صادر شده است این در حالی است که حتی روسیه که از لحاظ سیاسی به کشور ما خیلی نزدیک به نظر می رسد علاوه بر آنکه توانست بر سر دریای خزر امتیازات زیادی از دولت بگیرد نیز به هر ۴ قطعه نامه رای موافق داده است.

در داخل کشور دولت هیچ گونه مخالفتی را بر نمی تابد و هر کس که به مخالفت با برنامه ریزی های دولت برخیزد به وی برچسب ضد انقلاب و یا مخالف نظام جمهوری اسلامی زده می شود. دولت با روزنامه های منتقد به شدت برخورد می کند به عنوان مثال ۲ روزنامه شرق و هم میهن که هر دو توقیف شدند و اقدام به دستگیری گسترده دانشجویان و فعالان سیاسی، اجتماعی کشور زده است. آقای احمدی نژاد در داخل هیئت دولت نیز به اعضای ثابتی نرسیده است و دست به تغییرات مداوم در هیئت دولت می زند تا به حال ۸ وزیر و چندین استاندار تغییر کرده اند و اگر یک وزیر دیگر تغییر یابد باید کل دولت مجدداً از مجلس رای اعتماد اخذ کند که این مورد در کل دوران انقلاب بی سابقه است. همچنین رئیس بانک مرکزی آقای مظاهری نیز به دلیل مخالفت با سیاست های پولی رئیس جمهور تغییر کرد و این در حالی است که وزارت کشور سومین معاونت را نیز تغییر داد. همچنین روزنامه های حامی دولت از عدم رضایت از وزیر تغییر یافته کشور (کردان) خبر داده اند و وی را تحمیل شده از طرف لاریجانی می دانند. دولت از جانب هم جناحی های خود یعنی اصولگرایان شدیداً تحت انتقاد قرار دارد، به عقیده اصولگرایان دولت در همه اقدامات خود بدن هیچ گونه کار کارشناسی و مشورت با شتابزدگی قدم های عجولانه بر می دارد و این باعث میشود اکثر طرح های رئیس جمهور شکست بخورد و امروز در حالی به انتخابات نزدیک می شویم که اغلب اصولگرایان از عدم همراهی خود با دکتر احمدی نژاد خبر می دهند، و طوری که به نظر می رسد ایشان در انتخابات تنهاست. ولی با این همه آیا احتمال انتخاب مجدد وی وجود دارد؟

نظر دو تن از دانشجویان فعال دانشگاه در مورد عملکرد یک ساله معاونت دانشجویی، فرهنگی سابق دانشگاه را جویا شدیم. دکتر ناصری بعد از مدت یک سال مسئولیت در این سمت، در تابستان گذشته استعفا دادند و هم اکنون دکتر رضوانی با حفظ سمت قبلی (رییس امور شبانه) جانشین ایشان شدند.

مهدی منصوری* - ارائه تحلیلی بی طرف توأم با عینیت و صحت حداقل نیازمند داشتن اطلاعات دقیق و گسترده است، و قطعاً در اخبار منتشره شده در دانشگاه در بسیاری موارد ملاحظات اعمال گردیده است که هر کدام از این ملاحظات، بی طرفی اخبار را نقض کرده است. مع الوصف با محدودیت های به اعمال آمده در اخبار منتشره باز هم می توان تحلیلی (اما نه چندان استوار) ارائه کرد! خصیصه شایان توجه آقای دکتر ناصری معاون سابق دانشجویی فرهنگی دانشگاه س و ب، آسیب شناسی صحیح و شناختن نبض افکار عمومی دانشجویی با تلاش در آفریدن فضای نسبتاً باز سیاسی انضباطی با تاکید بر دانشجوی محوری و استقلال دانشجویی (مثل شورای صنفی) بوده است.

از دغدغه های اصلی ایشان افزایش رفاه دانشجویی به خصوص در حوزه بهبود وضعیت سلف سرویس و خوابگاهها می توان نام برد، روشن فکر بودن تلاش در نوآوری در عرصه های فرهنگی توأم با عنصر ایمان ایشان و ایمان با وجود کیفیت و حجم کار معاونت فرهنگی - دانشجویی از عنصرهای جدانشدنی از شخصیت ایشان طبقه بندی می شود. از دلایل استعفا ی ایشان خبر دقیقی و کاملاً صحیحی فعلاً در دسترس نیست و در مورد عینی بودن این خبر نمی توان به وضوح قضاوت کرد. به امید آنکه در جلسات پرسش و پاسخ این دلایل مورد توجه دانشجویان قرار گیرد!، و امید است معاون جدید دانشجویی، فرهنگی آقای دکتر رضوانی بتوانند در این پست نیز مانند سایر مسئولیت های پیشین موفق عمل نمایند.

* مهدی منصوری از مسئولین سابق بسیج دانشگاه س و ب

- شورای صنفی: در این مورد نسبتاً عملکرد موفقی داشتند، زیرا هر چند بسیار ناقص اما بالاخره پس از چند سال وقفه، شورای صنفی در ۳ دانشکده تشکیل شد. دلیل اصلی اش شاید فرصت زیادی بود که مسؤولان برای تبلیغات تعیین کرده بودند. البته در این مورد فعالیت های ائتلاف هم پیمانان را برای رونق انتخابات و تشکیل شورای صنفی نمی توان نادیده گرفت. این انتخابات نواقص زیادی هم داشت از آنجا که در جاهای دیگری هم گفته شده است، ذکر دوباره ی آن لطفی ندارد.

- انجمن های علمی: در این دوره به طرز عجیبی تقریباً با هیچ اردوی علمی از سوی انجمن ها موافقت نشد و سنت هر ساله ی معرفی انجمن های علمی برتر نیز به فراموشی سپرده شد.

- مسائل رفاهی: در مورد تغذیه شاهد تغییرات خوبی بودیم و مثلاً صبحانه ی کاملی برای اولین بار به برنامه ی غذایی اضافه شد و در بعضی وعده های غذایی هم امکان انتخاب فراهم شد. اما در زمینه ی خوابگاه ها مشکلات وخیم تر شد تا حدی که به اعتراضات گروهی دانشجویان در چند مورد انجامید. قطع آب گرم و برق به ویژه در ایام امتحانات اتفاقات ناخوشایندی بود که در این دوره بارها گریبان گیر آن بودیم.

در مجموع صرفه جویی مالی زیادی در دوره ی ایشان صورت گرفت و تقریباً برای هیچ فعالیت فوق برنامه ای هزینه ای نکردند. در پایان اگر بخواهم دو مصداق بد و خوب عملکرد ایشان را یادآوری کنم، در مورد عملکرد بد، برخورد ایشان با مسأله ی جعل امضا علیه نشریات را باید مثال بزنم که با کمال تعجب طرف جاعل یا جاعلان را گرفتند و از ایشان دفاع کاملی کردند و این برخورد با آن روح آزادی که هر کسی می توانست در وجود ایشان احساس کند، ناسازگاری عجیبی داشت. وجهی خوب عملکرد ایشان هم برخورد رودر روی مناسب با فعالان دانشجویی بود که باعث می شد آنان به راحتی با ایشان مشکلات را در میان بگذارند و شاید صدها ساعت از وقت شان را با صحبت و بگویند و ذکر خاطره با دانشجویان گذرانند. البته آن چه در نهایت عمل می کردند لزوماً ارتباطی با صحبت ها و وعده هایی که می دادند، نداشت!

* مدیر مسوول پنجره و عضو کمیته ی ناظر بر نشریات

ابراهیم اسکافی* - اظهار نظر درباره ی عمل کرد یک ساله ی دکتر ناصری کار چندان ساده ای نیست. بدین خاطر که سالی که ایشان مسؤولیت را پذیرفت، سال پرفراز و نشیبی بود. در هر صورت دوره ی ایشان با دوره ی پیشش متفاوت بود. معاونت دانشجویی - فرهنگی تقریباً با هر گونه فعالیت دانشجویی سروکار دارد و حوزه ی وسیعی را در بر می گیرد. برای این که این نوشته آن قدر طولانی نشود که حوصله ی خوانندگان را سرببرد من خیلی خلاصه برخی اتفاقات این حوزه را برمی شمارم:

- نشریات دانشجویی: دوبار دو نشریه ی متفاوت مورد بازبینی غیرقانونی پیش از چاپ قرار گرفتند. در یک مورد نشریه توقیف کوتاه مدت شد و با بازنگری دوباره چاپ شد. مورد دیگر در نهایت به ۶ ماه توقیف محکوم شد. طبق مصوبه ی سال گذشته، جشنواره نشریات دانشگاه برگزار شد اما هیچ گونه نمایشگاهی برگزار نشد و نتایج مسابقه هم اعلام نشد. باز هم طبق مصوبه ی پیشین قرار بود دفتری به نشریات مستقل داده شود، اما این دفتر هیچ گاه به نشریات مستقل واگذار نشد.

- کمیته ی انضباطی: در این حوزه تنها اتفاق مثبتی که رخ داد این بود که روی پاکت احضاریه نام کمیته انضباطی به معاونت دانشجویی تغییر پیدا کرد تا شاید مانع از آبروریزی بیشتر دانشجو شود. برای دانشجویان معترضی که در جلسه ی پرسش و پاسخ با مسؤولان، انتقادات ناخوشایندی را مطرح کرده بودند بلافاصله احکامی صادر شد که البته ظاهراً ارتباطی با آن جلسه نداشت. پس از انتخابات شورای صنفی تعداد زیادی از اعضای ائتلاف پیروز انتخابات به بهانه های مختلف تقریباً هم زمان احضار شدند.

در این دوره هم مثل سابق احضاریه ها صرفاً با عنوان «ادای پاره ای توضیحات» فرستاده می شد. در حالی که دانشجو موظف نیست صرفاً برای «ادای پاره ای توضیحات» به احضار مسؤولان پاسخ دهد. طبق موازین حقوقی، احضاریه باید شامل «شرح شکایت» و دست کم «نام شاکیان» باشد و حکم بدوی و نهایی هم باید با حضور وی صادر شود. در این دوره هم مثل سابق افرادی با عنوان رابط در دانشگاه جولان می دادند و تقریباً از هر جایی که بیش از ۴ نفر حضور داشتند گزارشی تهیه می کردند.

سیاه و سپید

*

گاهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

دانشگاه س و ب

*

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: شهریار حسین بر

*

همکاران این شماره: مهدی منصوری، ابراهیم اسکافی، کامران جلیل، محمدرضا کرمی و عبدالرحمان بستان

*

سیاه و سپید در ویرایش کردن مطالب آزاد است

آثار نویسندگان لزوماً دیدگاه نشریه نیست

*

نشانی: خوابگاه ۱۱۲ دیات، اتاق ۸

اخبار دانشجویی

مشکلات شارژ، کارت تغذیه

اداره مالی دانشگاه دستور داده که به جای پرداخت پول نقد برای شارژ کارت سلف باید حداقل مبلغ ۳۰۰۰ تومان به حساب امور مالی دانشگاه در بانک ملی واریز شد این امر باعث اذیت شدن بیش از حد دانشجویان در صفهای طولانی بانک ملی شد.

سقوط یک دانشجوی در چاله

روزهای اول ترم، دانشجوی دختری در یکی از چاله های پشت سالن معین سقوط کرد، این چندمین بار است که دانشجویان در چاله های دانشگاه می افتند (سال قبل همین اتفاق برای چند دانشجویان افتاده بود). شورای صنفی دانشکده مهندسی نیز بیانیه ای با عنوان «هشدار به مسوولان دانشگاه درباره رعایت نکات ایمنی» صادر کرد.

صندلی های داغ

صندلی کلاسهای ساختمان جدید مهندسی به شکل بسیار بدی رنگ شده اند که با گذشت چندین روزهونوز لباسهای بچه ها را کثیف می کند. آب و برق دانشگاه به صورت مکرر قطع می شوند که برنامه های دانشجویان را به صورت کلی مختل کرده است.

تعیین دبیر موقت شورای صنفی سه دانشکده

خبرنامه هم پیمانان - پیمان فیضی دبیر شورای صنفی دانشکده علوم به عنوان دبیر موقت شورای صنفی سه دانشکده مهندسی، علوم و ریاضی انتخاب شد. گفتنی است از میان ۱۲ دانشکده ای این دانشگاه تنها سه دانشکده مهندسی، علوم پایه و ریاضی دارای شورای صنفی هستند و ۹ دانشکده که جمعیتی بیش از ۷۰ درصد دانشجویان را شامل می شود از داشتن شورای صنفی محروم هستند و هم چنین شورای صنفی خوابگاهها نیز تا کنون در این دانشگاه تشکیل نشده است.

طبق آیین نامه شورای صنفی مصوبه وزارت علوم، دانشکده ها و خوابگاهها باید دارای شورای صنفی جداگانه باشند و در صورتی که بنا به هر دلیلی شورای صنفی واحدی تشکیل نشود یا منحل شود، دانشگاه موظف است ظرف یک ماه انتخابات را در آن واحد دوباره برگزار نماید.

انتخابات شورای صنفی دانشکده ای ادبیات به دلایل نامشخصی در ترم گذشته برگزار نشد و تا کنون مسوولان دانشگاه توضیح دقیقی در این مورد ارائه نداده اند. زمان تعیین شده برای انتخابات دانشگاهها آبان ماه هر سال است. به نظر می رسد که مهم ترین کار شورای صنفی موقت منتخب سه دانشکده در این فرصت باقی مانده برگزاری انتخابات سایر دانشکده ها و خوابگاههاست.

قومیت گرایی در دنیای مدرن

ابراهیم اسکافی

تلاش های رضاخان برای تشکیل دولت مرکزی کم کم ناسیونالیسم قومی در ایران به وجود آمد.

هدف از این نوشته صرفاً باز کردن بحث درباره آفات قومیت گرایی است و در این جا مجالی برای پرداختن به تمام وجوه آن نیست، اما نکته ای که لازم است بدان پردازم اثر قومیت گرایی بر فرار از خودانتقادی نخبگانی است که در مقابل هر گونه انتقاد از قومیت ها و طرح مشکلات آن ها موضع گیری خصمانه می کنند. برای نمونه می توان به موضع برخی از کسانی که در مناطق غرب ایران زندگی می کنند در مقابل ساخت فیلم های چون «عروس آتش» و «بمانی» اشاره کرد. این فیلم ها هر کدام به نوعی وضعیت اسف بار دختران در این مناطق و خودسوزی را به تصویر کشیده بودند که با واکنش های شدیدی روبرو شدند. بسیاری از آنان این واقعت را که به لحاظ آماری قابل استناد بود اساساً رد می کردند و جالب این است که عده ای دیگر می گفتند که اصلاً دیگران حق ندارند که درباره مشکلات ما صحبت کنند!

مناطق که گرایش های قومی در آن شدید است عموماً از نظر رفاهی هم سطح پایین تری از بقیه مناطق دارند، بنابراین اگر ناراضیانی فعالان سیاسی و اجتماعی آن مناطق بر پایه ی محرومیت های موجود باشد کاملاً قابل درک است، اما بدبختانه واقعت این است که معمولاً این مسائل برای فعالان محلی در حاشیه قرار می گیرد و بیشتر به دنبال تمایزطلبی هستند. خواست هایی چون تدریس زبان خاص، انتصاب مقامات محلی بومی و در برخی مناطق جدایی طلبی در صدر مطالبات قرار دارد.

با نگاهی واقع گرایانه به این مقوله ها چندان دور از ذهن نیست که حتا در صورت استیفای کامل این مطالبات، باز هم مشکلات ریشه ای آنان برطرف نخواهد شد. زیرا بسیاری از مشکلات فرهنگی و سنتی که در این مناطق وجود دارد اصولاً به خاطر پدیده ی قومیت گرایی قابل طرح نیست. اگر از درون کسی به آن مسائل پردازد به عنوان خائن طرد می شود و اگر انتقاد از بیرون باشد دلیلی می شود برای تقابل بیشتر قوم ما و دیگران و در نتیجه تمایزطلبی هر چه بیشتر.

شاید به جای تلاش بر ارزش های جمعی و تمایزطلبی، تأکید بر فرد گرایی و حقوق برابر بتواند مشکل دور باطل تمایزطلبی و ایجاد تقابل را حل کند. در حقیقت قومیت گرایی در دنیای مدرن توجیهی ندارد. پذیرفتن این موضوع که در برخی مناطق باورهای رایج اما غلط، مشکلاتی اساسی را برای رشد فرهنگی آن مناطق به وجود آورده است، شهادت زیادی می طلبد. واقعت های تلخی از این دست که اکثریت افراد متعلق به منطقه ای خاص، قتل ناموسی را روا می دارند یا این که به زنان اجازه ی بیرون آمدن از خانه را نمی دهند، مشکلاتی نیستند که با قومیت گرایی برطرف شوند. وجه تمایز روشن فکرها از دیگران پذیرفتن معایب و خطاهای خود و اجتماع پیرامون خود است.

هر انسانی ویژگی های متمایز کننده ای از دیگران دارد. دست کم هر کسی نامی دارد که (اگر از استثناها بگذریم) یگانه است و جامعه او را با آن اسم می شناسد. علاوه بر آن همه ی ما لهجه ی خاصی داریم و شاید اگر از مناطق خاصی از کشور باشیم اساساً زبان محاوره ای دیگری نیز داشته باشیم و ممکن است یکی از وجوه جامعه ی پیرامون ما داشتن آداب و رسوم خاص، لباس خاص، عقاید خاص و حتا مذهبی خاص باشد. معمولاً در مورد داشتن هیچ کدام از این ویژگی ها ما تصمیمی نگرفته ایم و قرار گرفتن ما در موقعیتی خاص و زمانی خاص این سرنوشت را برای ما رقم زده است. آیا تأکید و تعصب درباره ی وجوه تمایزی که ما نقشی در به وجود آوردنشان نداشته ایم، می تواند از نظر یک انسان روشن فکر قابل توجه باشد؟

ناخود آگاه باورهایی در ضمیر اغلب ما وجود دارد که گرچه به زبان نمی آوریم اما بدان عمل می کنیم، باورهایی از این دست که خانواده یا خاندان من برحق است، دلیلی هم لزوماً در ذهن نداریم، شاید به این خاطر که ما عضوی از آن هستیم! همه ی ما پذیرفته ایم که قومی که ما به آن تعلق داریم، قوم برگزیده است و هیچ کس حق ندارد از گل نازک تر درباره ی آن صحبت کند. بدبختانه اگر نسبت به این چیزها حساسیت نداشته باشیم گویی چیزی در وجودمان، چیزی از هویت قومی ما کم است. اما عقل و منطق به ما می گوید - دست کم زمانی که درباره ی دیگران فکر می کنیم و کمی از شدت تعصب مان کم می شود - هر انسانی از هر خانواده ای می تواند لغزش هایی داشته باشد، هر قومی هم ممکن است باورهای درست یا غلط جمعی داشته باشد. پس هر کسی حق دارد که در مورد شخص ما، خانواده ی ما، شهر ما و قوم ما اظهار نظر انتقادی بکند، حتا اظهاراتی که خوشایندمان نباشد.

قومیت گرایی را به طور خلاصه می توان نوعی تلاش برای تمایزطلبی جمعی دانست. یعنی من باید حتماً زبان و لهجه ی خاص خودم را حفظ کنم، لباس خاص خودم را بپوشم تا تمایز آشکار شود و باید تمام عقاید و ارزش های سنتی موروثی ام را به قیمت جانم حفظ کنم. گاهی این تمایزطلبی ها عاملی بیرونی دارد و به عبارتی دولت ها با فشارها و تبعیض هایی که به وجود می آورند خود باعث شکل گیری و تقویت آن می شوند مانند رفتاری که دولت نازی با یهودیان داشت و باعث انسجام جهانی آنان شد. از سوی دیگر سران قبایل که در دولت مدرن اقتدارهای سنتی خود را به تدریج از دست داده اند و قدرت دولت جای گزین اقتدار آنان شده است، در واکنش به از دست دادن قدرت، به تقابل با دولت مرکزی می پردازند. به نظر می رسد که در کشورهای در حال توسعه مثل ایران این عامل نقش اساسی در رشد قومیت گرایی داشته است. پس از